

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ نومبر ۲۰۱۹

زور آزمائی "ولسی جرگه" و ریاست عمومی ترافیک!

شنبه- ۰۲ قوس ۱۳۹۸ - کابل: یادداشت امروز را به بحث در مورد خبری اختصاص داده ام که هر چند خود خبر زیاد مهم نیست، مگر آغاز روندی را که نشان می دهد، می تواند در دراز مدت پیدایش اخبار مهمی را باعث گردد. خبر مورد نظر معرفی رئیس عمومی ترافیک افغانستان "داوود چکری" و مدیر عمومی ترافیک کابل "خان محمد شینواری" به اتهام "فساد، اخاذی، زور گیری، تخلفات قانونی و بل های ساختگی"، به "لوی څارنوالی" از جانب به اصطلاح "ولسی جرگه" افغانستان بود.

۱- اگر به خاطر تان مانده باشد، "ولسی جرگه" کنونی بعد از به اصطلاح انتخاباتی که تعفن و بوی گندیده آن نه تنها مشام مردم افغانستان را اذیت نمود بلکه گردانندگان آن درامه افتضاح آمیز و ننگین را نیز روانه زندان پلچرخ ساخت، وقتی علی رغم اما و اگر "باند ارگ" به کارش آغاز نمود، "باند ارگ" که خود را در گنجاندن افرادش ناکام احساس نموده بود، با ایجاد اختلاف بین اعضای مجلس و کوک کردن یکی از گدی های کوکی اش "کمال ناصر"، چنان فضائی را به وجود آورد که اعضای آن مجلس جهت بقای شان علیه توطئه "باند ارگ" جبراً اتحاد نموده، "کمال ناصر" را بدون "کرته و ابزار" به ارگ فرستادند.

۲- "باند ارگ" که در تطبیق طرح اولی ناکام مانده بود، مداخلتش را در امور داخلی "ولسی جرگه" ادامه داده ماه ها، آنها را مصروف تعیینات داخلی ساخت تا نتوانند هیچ نوع مشکلی سر راه "باند ارگ" و کلیت "حکومت خیانت ملی" به وجود بیاورند.

۳- تاجائی که از تعقیب اخبار داخلی "ولسی جرگه" بر می آید، ریاست این جرگه برای بار اول حین رها کردن "انس حقانی" یعنی اشتراک در یک خیانت ملی از جانب "ارگ" به بازی گرفته شده، در کنار سایر مقامات تصمیم گیرنده (جمع امرالله صالح منهای دوستم) رئیس آن جرگه نیز در قطار خاینان حضور یافته ضمن صحبت در داخل "ولسی جرگه" از تصمیم دولت دست نشانده و شخص "غنی احمدزی" حمایت نمود.

این حضور می تواند رسماً بدان معنا باشد که گردانندگان اصلی در افغانستان یعنی امپریالیسم امریکا و شرکاء بر "غنی احمدزی" قبولانده اند که از خر جهل خود پائین شده با خاتمه بخشیدن به لجاجت کودکانه و خیره سرانه اش، "ولسی جرگه" را با همین ترکیب فعلی قبول نماید.

۴- با طی چنین روندی، می بینیم که "ولسی جرگه" جرأت به خرج داده یکی از نمود های آشکار ظلم، فساد، زور گویی و یکی از نهاد هائی را که حد اقل در شهر کابل ۶ میلیونی بیش از ۹۰ درصد مردم از آن نفرت دارند، مورد حمله و باز خواست قرار داده است. این حمله که می تواند از پشتیبانی اکثریت باشندگان کابل نیز برخوردار باشد، در ذات خود می تواند آزمونی باشد برای کار های آینده "ولسی جرگه".

یعنی هرگاه دو فرد مورد نظر که افسار شان به میخ "غنی احمدزی" بسته است، مقابل این روند نایستند و به فیصله آنها تمکین نموده به خارنوالی حاضر شوند و هرگاه خارنوالی با آنها به مانند سایر متهمان برخورد نماید، در آن صورت گفته می توانیم که از "کلوخ ولسی جرگه" نخستین جرقه آتش پریده و در آینده نیز از این آتش بازی ها خواهند نمود. هرگاه عکس فرض اول، نه دو فرد مورد نظر به فیصله آنها تمکین کند و نه هم خارنوالی به فیصله "ولسی جرگه" پیاز پوست نماید، مسأله حیات و ممات "ولسی جرگه" مطرح می گردد.

یعنی آنها می باید یا برای زنده نگهداشتن شان علیه "باندا ارگ" وارد میدان نبرد شوند و یا این که خموشانه، زندگی نموده معاش شان را بگیرند، به تمام فیصله و احکام ضد قانونی "باندارگ" تسلیم شوند و صدا بلند نمایند. این معرفی، آزمونیست که "ولسی جرگه" خودش برای خود تعیین نموده است.

دیده شود چه می شود!!!